



RESEARCH ARTICLE

Good Governance Indicators and Foreign Direct Investment Attraction: Case Study of the Khatami Administration

Hamed Aghaei¹, Mohammad Jafar Jawadi Arjomand^{2*} 

1. Ph.d. Student of Public Policy, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: hamedaghaie@ut.ac.ir

2. Professor of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: mjjavad@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107808>

Received: 7 March 2026

Accepted: 23 April 2026

ABSTRACT

Attracting foreign direct investment (FDI) as a key driver of economic growth and development depends significantly on the quality of governance. This study aims to examine the role of the six indicators of good governance in attracting foreign investment during the presidency of Seyyed Mohammad Khatami (1997–2005). The research method is documentary and library-based, relying on secondary data from international reports and domestic sources. The findings indicate that during this period, efforts were made to improve transparency, the rule of law, and civic participation, which coincided with an increase in foreign investment inflows in 2002–2003. However, political crises and institutional constraints hindered the full realization of the potential impact of these indicators. Political stability and a foreign policy of de-escalation were identified as supportive factors, while weak law enforcement and insufficient control of corruption were identified as major obstacles. The results suggest that enhancing governance indicators can significantly improve a country's attractiveness to foreign investors. Accordingly, institutional reforms, strengthening transparency, and reducing corruption are recommended as essential strategies for establishing a stable environment conducive to foreign investment.

Keywords: Good Governance, Foreign Direct Investment, Governance Indicators, Iran, Khatami Administration.

Citation: Aghaei, Hamed; Jawadi Arjomand, Mohammad Jafar (2026). Good Governance Indicators and Foreign Direct Investment Attraction: Case Study of the Khatami Administration. *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (2), 150-165.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107808>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

شاخص‌های حکمرانی خوب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛ مورد مطالعه: دولت خاتمی

حامد آقایی^۱، محمد جعفر جوادى ارجمند^{۲*} 

دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: hamedaghaie@ut.ac.ir

۲. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه نویسنده مسئول: mijavad@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107808>

تاریخ دریافت: ۱۶ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵

چکیده

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی، به کیفیت حکمرانی کشورها وابسته است. این پژوهش با هدف بررسی نقش شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دوره ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) انجام شد. روش تحقیق به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای و با اتکا بر داده‌های ثانویه از گزارش‌های بین‌المللی و منابع داخلی طراحی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که در این دوره تلاش‌هایی برای بهبود شفافیت، حاکمیت قانون و مشارکت مدنی صورت گرفت که هم‌زمان با افزایش جریان سرمایه‌گذاری خارجی در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۲ همراه بود. با این حال، بحران‌های سیاسی و محدودیت‌های نهادی مانع از تحقق کامل ظرفیت این شاخص‌ها شدند. ثبات سیاسی و سیاست‌های تنش‌زدایی در روابط خارجی از عوامل تقویت‌کننده، و ضعف در اجرای قوانین و کنترل فساد از موانع اصلی شناسایی شدند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که ارتقای شاخص‌های حکمرانی می‌تواند جذابیت کشورها برای سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش دهد. بر این اساس، تمرکز بر اصلاحات نهادی، تقویت شفافیت و کاهش فساد به‌عنوان راهبردی اساسی برای ایجاد محیطی پایدار جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص‌های حکمرانی، ایران، دولت خاتمی.

استناد: آقایی، حامد؛ جوادى ارجمند، محمد جعفر (۱۴۰۵). شاخص‌های حکمرانی خوب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛ مورد مطالعه: دولت خاتمی.

فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۲ (۲)، ۱۶۵-۱۵۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.107808>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

در دنیای پرشتاب و رقابتی امروز، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به یکی از مهم‌ترین محرک‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است. کشورهایی که بتوانند محیطی امن، شفاف و باثبات برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کنند، از مزایای متعددی همچون انتقال فناوری، ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و توسعه زیرساخت‌ها بهره‌مند خواهند شد. در این میان، «حکمرانی خوب» به عنوان یک چارچوب مفهومی کلیدی برای تبیین کیفیت تعامل دولت‌ها با جامعه و بازار، نقش بنیادینی در ارتقای ظرفیت کشورها برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی ایفا می‌کند. شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی ارائه شده‌اند. حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، کنترل فساد، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، و شفافیت و پاسخ‌گویی معیارهایی مهم برای ارزیابی جذابیت محیط نهادی و حقوقی کشورها به شمار می‌روند. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان کشوری با ظرفیت‌های بالای منابع طبیعی، موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی و نیروی انسانی تحصیل کرده، به طور بالقوه توانایی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مقیاس گسترده را دارد. با این حال، عملکرد کشور در این زمینه با چالش‌های متعدد نهادی، ساختاری و سیاسی مواجه بوده است. در این میان، بررسی عملکرد دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند به شناخت دقیق‌تری از عوامل بازدارنده و تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی منجر شود. دوره ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴)، به دلیل رویکرد اصلاح‌طلبانه، گفتمان جامعه مدنی، تلاش برای تنش‌زدایی در سیاست خارجی و کوشش برای نهادینه‌سازی قانون، یکی از مقاطع مهم و متفاوت در تاریخ حکمرانی جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. این دوره، از نظر تغییر در رویکردهای داخلی و بین‌المللی، بستر مناسبی برای بررسی رابطه میان حکمرانی خوب و جذب سرمایه خارجی فراهم می‌کند. با وجود اهمیت فزاینده موضوع حکمرانی در مطالعات توسعه، بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته درباره سرمایه‌گذاری خارجی در ایران عمدتاً بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ ارز، تورم یا درآمدهای نفتی تمرکز داشته‌اند و کمتر به نقش کیفیت حکمرانی پرداخته‌اند. علاوه بر این، مطالعات محدودی به تحلیل تطبیقی شاخص‌های حکمرانی در بستر یک دولت مشخص در ایران پرداخته‌اند و به ندرت پیش آمده است که نقش هم‌زمان و تفکیکی شاخص‌های شش‌گانه در تبیین جذب سرمایه‌گذاری خارجی مورد بررسی قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با تمرکز بر دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، تصویری روشن‌تر از کیفیت حکمرانی و تأثیر آن بر روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی ارائه دهد. انتخاب این دوره زمانی، به دلیل برخی ویژگی‌های متمایز آن از جمله تلاش برای تقویت جامعه مدنی، بهبود روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، شفافیت بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و تأکید بر قانون‌گرایی، از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به تحولات داخلی و بین‌المللی این دوره، بررسی نحوه تغییر شاخص‌های حکمرانی و اثرات آن بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، می‌تواند درک عمیق‌تری از پیوند میان کیفیت حکمرانی و عملکرد اقتصادی فراهم آورد. به ویژه آن‌که در برخی سال‌های این دوره، از جمله ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲، افزایش قابل توجهی در میزان سرمایه‌گذاری خارجی مشاهده شده است که تحلیل علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن برای پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی اهمیت دارد. در نهایت، این مطالعه با هدف پر کردن خلأ موجود در ادبیات پژوهشی ایران و ارائه تحلیلی جامع از نقش شاخص‌های حکمرانی خوب در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به دنبال آن است که ضمن بررسی تجربیات این دوره، پیشنهادهایی کاربردی برای سیاست‌گذاران ارائه دهد. این پیشنهادها می‌تواند مسیر اصلاحات نهادی، کاهش فساد، ارتقای شفافیت و بهبود فضای حقوقی و مقرراتی را برای تصمیم‌گیران روشن‌تر سازد و زمینه را برای افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در جذب سرمایه‌گذاران خارجی فراهم آورد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، اسنادی-کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع ثانویه، شامل گزارش‌های بانک جهانی درباره شاخص‌های حکمرانی جهانی، آمار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از آنکتاد و صندوق بین‌المللی پول، اسناد و آمار رسمی ایران، و نیز مقالات علمی معتبر گردآوری شده‌اند. از نظر سطح مطالعه، تحقیق حاضر یک مطالعه موردی است که

وضعیت جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری سید محمد خاتمی را بررسی می‌کند. با توجه به ماهیت پیچیده متغیرهای نهادی و سیاسی، رویکرد پژوهش توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. در این چارچوب، ابتدا شاخص‌های حکمرانی و روند جذب سرمایه‌گذاری خارجی توصیف شده و سپس بر اساس چارچوب نظری حکمرانی خوب، ارتباط میان این شاخص‌ها و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تحلیل و تفسیر گردیده است. محدودیت اصلی پژوهش به دسترسی محدود به داده‌های داخلی شفاف و نیز اثرگذاری متغیرهای بیرونی همچون تحریم‌ها و نوسانات قیمت نفت بر روند سرمایه‌گذاری خارجی مربوط می‌شود. با وجود این محدودیت‌ها، تلاش نگارندگان بر آن بوده است که تصویری نسبتاً جامع و واقع‌بینانه از رابطه میان حکمرانی خوب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دوره مورد مطالعه ارائه شود.

چارچوب مفهومی: شاخص‌های حکمرانی خوب از نگاه بانک جهانی

حکمرانی خوب به عنوان چارچوبی برای بهبود عملکرد دولت‌ها، تقویت نهادهای عمومی و افزایش مشارکت مردمی در فرآیندهای حکومتی شناخته می‌شود. بانک جهانی در گزارش ۱۹۹۷ خود «نقش دولت در جهان در حال تحول» توسعه اقتصادی را به سه دوره تقسیم می‌کند: (۱) دولت توسعه‌گرا (کینزی)، (۲) دولت کوچک (تعدیل) و (۳) دولت اثربخش (World Bank, 1997). جوزف استیگلیتز در دهه ۱۹۹۰ با معرفی اجماع پساواشنگتنی، بر تعامل سازنده دولت و بازار برای اصلاحات اقتصادی تأکید کرد (Mirzaeabrahimi, 2006:54). این دیدگاه، حکمرانی خوب را به عنوان زیرساختی برای توسعه پایدار معرفی کرد که نقص‌های دولت و بازار را برطرف می‌کند. بر اساس تعریف بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل، حکمرانی خوب شامل مدیریت امور عمومی با تکیه بر حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت مردم است. بانک جهانی از طریق پروژه شاخص‌های حکمرانی جهانی^۱ حکمرانی خوب را با شش شاخص کلیدی ارزیابی می‌کند: ۱. حق اظهارنظر و پاسخگویی^۲: میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت، آزادی بیان، تشکل‌ها، و وجود رسانه‌های مستقل؛ ۲. ثبات سیاسی و عدم خشونت/تروریسم^۳: پایداری نظام سیاسی و کاهش احتمال بی‌ثباتی یا خشونت سیاسی؛ ۳. اثربخشی دولت^۴: کیفیت خدمات عمومی، استقلال از فشارهای سیاسی، و اجرای سیاست‌های کارآمد؛ ۴. کیفیت مقررات^۵: توانایی تدوین و اجرای مقرراتی که توسعه بخش خصوصی را تسهیل می‌کند؛ ۵. حاکمیت قانون^۶: پایبندی به قوانین، اجرای قراردادهای، حفاظت از حقوق مالکیت، و کاهش جرم و خشونت؛ ۶. کنترل فساد^۷: پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت برای منافع خصوصی و محدود کردن نفوذ نخبگان. این شاخص‌ها چارچوبی جامع برای ارزیابی حکمرانی ارائه می‌دهند و به شناسایی نقاط ضعف و بهبود سیاست‌گذاری کمک می‌کنند (Aman, 2023:19).

نقش حاکمیت قانون در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

حاکمیت قانون به تنهایی تمامی الزامات جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تأمین نمی‌کند؛ بلکه اثرگذاری آن زمانی به صورت کامل بروز می‌یابد که در تعامل با سایر عوامل نهادی، اقتصادی و اجتماعی عمل کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ترکیب شاخص‌هایی همچون توسعه انسانی با حاکمیت قانون، اعتماد سرمایه‌گذاران به محیط اقتصادی را افزایش داده و امنیت سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند (Dehshiri et al., 2012:10). در کنار آن، کیفیت مقررات نیز نقش مکمل دارد؛ مقررات شفاف و پیش‌بینی‌پذیر، ریسک ناشی از تغییرات ناگهانی سیاست‌ها را کاهش داده و محیطی باثبات برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند.

1. UNDP
2. WGI
3. Voice and Accountability
4. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism
5. Government Effectiveness
6. Regulatory Quality
7. Rule of Law
8. Control of Corruption

(Nzeh et al., 2024). چارچوب‌های قانونی بین‌المللی مانند معاهدات دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری نیز با تعیین استانداردهای مشترک و تضمین حقوق سرمایه‌گذاران خارجی، به تقویت حاکمیت قانون و تسهیل تصمیم‌گیری کمک می‌کنند (Mwampaghalé, 2017:14). با این حال، رفتار حاکمیت قانون در همه مناطق یکسان نیست. برای نمونه، مطالعه‌ای در غرب آفریقا نشان داده است که در بازه ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰، حاکمیت قانون تأثیر منفی بر FDI داشته است؛ موضوعی که ناشی از ضعف اجرای قوانین، تغییرات مکرر مقررات، و نقش پررنگ‌تر عوامل اقتصادی همچون نرخ ارز بوده است (Nzeh et al., 2024). این نتیجه نشان می‌دهد که تأثیر حاکمیت قانون وابسته به ساختار نهادی و سطح توسعه کشورها است. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای حاکمیت قانون، حفاظت از حقوق مالکیت است. وجود یک نظام حقوقی توانمند که امنیت مالکیت و دارایی را تضمین کند، اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و موجب تشویق سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت می‌شود (Topçu, 2023:10). همچنین وجود سازوکارهای مؤثر برای اجرای قراردادهای حل و فصل اختلافات، ریسک‌های حقوقی را کاهش می‌دهد و برای سرمایه‌گذاران خارجی که معمولاً با محیط حقوقی کشور میزبان آشنا نیستند، اهمیت ویژه‌ای دارد (Topçu, 2023:10). یکی دیگر از کارکردهای حاکمیت قانون، کاهش فساد است. نهادهای حقوقی قوی می‌توانند با محدود کردن فرصت‌های سوءاستفاده از قدرت، فضای رقابتی و سالمی برای کسب‌وکار ایجاد کنند؛ موضوعی که در اغلب مطالعات به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اساسی جذب FDI معرفی شده است (Kasasbeh et al., 2018:14). حاکمیت قانون با ایجاد محیطی امن و پیش‌بینی‌پذیر و تضمین برابری افراد در برابر قانون، خطرات ناشی از تغییرات ناگهانی سیاست‌ها را کاهش می‌دهد و فضای امن‌تری برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. ارائه چارچوب‌های شفاف، پایدار و قابل اتکا برای فعالیتهای اقتصادی نیز عاملی محوری در افزایش جذابیت کشورها برای سرمایه‌گذاری خارجی است (Shirjiyan, 1402). افزون بر آن، حاکمیت قانون با حمایت از رقابت سالم، شفافیت و مسئولیت‌پذیری، زمینه ارتقای کیفیت فضای کسب‌وکار را فراهم می‌سازد (Samimi Far, 1400). مطالعات تطبیقی نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کنند. برای مثال، در آمریکای لاتین تقویت نهادهای حقوقی، تمایل سرمایه‌گذاران خارجی را افزایش داده است (Thomas, 2016:10). همچنین در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، حاکمیت قانون یکی از شاخص‌های نهادی اثرگذار بر جذب FDI شناخته شده است (Gür, 2019). با این حال، در برخی شرایط خاص، ضعف در حاکمیت قانون ممکن است به‌طور موقت موجب جذب سرمایه‌گذاری شود، زیرا برخی سرمایه‌گذاران به روابط شخصی و شبکه‌های غیررسمی متکی‌اند (Alexander, 2014). البته این وضعیت پایدار نیست و کشورها برای حفظ سرمایه‌گذاران در بلندمدت، نیازمند ایجاد نظام حقوقی شفاف و قانون‌محور خواهند بود.

ثبات سیاسی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ثبات سیاسی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نهادی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، زیرا با کاهش ریسک‌های سیاسی، ناآرامی‌های مدنی و بی‌ثباتی دولت، اطمینان سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد (Alshubiri, 2021; Asante Darkwah, 2023). ثبات سیاسی همچنین از طریق تقویت حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و کاهش فساد، محیط کسب‌وکار را بهبود بخشیده و جذابیت اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد. با این حال، رابطه میان ثبات سیاسی و FDI همیشه خطی نیست. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حتی در کشورهایی با درگیری داخلی، اگر مزیت‌هایی مانند بازار بزرگ یا منابع طبیعی غنی وجود داشته باشد، جریان FDI می‌تواند همچنان افزایش یابد (Maher, 2022:7). این اثر در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متفاوت است: در اقتصادهای توسعه‌یافته ساختار اقتصادی پایدار اهمیت بیشتری دارد، اما در کشورهای در حال توسعه وابستگی به سرمایه خارجی موجب می‌شود ثبات سیاسی نقش مهم‌تری ایفا کند (Mohseni et al., 2020). بر اساس گزارش‌های آنکتاد، ریسک‌های سیاسی بالا و ساختارهای غیرقابل پیش‌بینی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از موانع جدی ورود FDI محسوب می‌شوند (UNCTAD, 2008). افزون بر این، امنیت سیاسی منطقه‌ای نیز اهمیت دارد؛ یافته‌های ۶۶ کشور نشان می‌دهد مناطق امن‌تر

به‌طور معنی‌داری FDI بیشتری جذب کرده‌اند (Nikdel et al., 2021). شواهد تجربی از مناطق مختلف این اثر را تأیید می‌کند: در دولت‌های عضو آسه‌آن، ثبات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر FDI داشته است (Fuddin & Maulidiyah, 2024). و در نیجریه نیز کاهش ریسک‌های سیاسی سبب رشد ورود سرمایه‌گذاری خارجی شده است (Ajimobi, 2024). به‌طور کلی، ثبات سیاسی از طریق ایجاد محیطی امن، قابل پیش‌بینی و کم‌ریسک، نقشی اساسی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی دارد، هرچند شدت اثر آن به سطح توسعه و ساختار اقتصادی کشورها بستگی دارد.

نقش اثربخشی دولت در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

اثربخشی دولت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکمرانی خوب است و نقشی مستقیم در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. دولت‌های کارآمد با ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها، تدوین مقررات شفاف، کاهش بروکراسی و کنترل فساد، محیطی امن و پیش‌بینی‌پذیر برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایت از نوآوری و تأمین مالی سبز در چین موجب افزایش FDI شده است (Wang & Qiao, 2023). در زیمبابوه نیز شبکه‌های مالی کارآمد نقش مهمی در جذب سرمایه خارجی داشته‌اند (Matimura et al., 2021). عوامل اصلی کارآمدی دولت در جذب FDI عبارت‌اند از: سیاست‌های پایدار و ایجاد ثبات؛ توسعه زیرساخت‌های کلیدی؛ مقررات شفاف و کاهش ریسک‌های حقوقی؛ تسهیل اداری و ارائه مشوق‌ها، کنترل فساد و کاهش هزینه‌های غیررسمی. حمایت از حقوق مالکیت، تقویت نوآوری و تربیت نیروی کار ماهر نیز به بهبود محیط اقتصادی کمک کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد (Hosseini & Shahbandarzadeh, 2017). همچنین امنیت اقتصادی و روابط دیپلماتیک پایدار، ریسک سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش می‌دهد (Hosseini, 2021). مجموع، دولت‌های کارآمد با تقویت نظام قضایی، شفافیت اطلاعاتی و حاکمیت قانون، بستر لازم برای جذب سرمایه داخلی و خارجی را فراهم می‌کنند. (Ostad-Ramezan, Bazraei, & Karimi, 2017).

نقش فساد در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

فساد یکی از مهم‌ترین موانع نهادی در مسیر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و بر ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها تأثیرگذار است. در بعد اقتصادی، فساد با افزایش هزینه‌های پنهان و کاهش اعتماد، مانعی جدی برای ورود سرمایه خارجی محسوب می‌شود. مطالعات آسه‌آن نشان می‌دهد که کاهش فساد ادراک‌شده کیفیت بوروکراسی را بهبود بخشیده و موجب افزایش FDI می‌شود، در حالی که نرخ‌های بهره بالا اثر منفی دارند (Anwar et al., 2023:19). شانگ‌جین وی نیز فساد را معادل «مالیاتی سنگین» می‌داند که جریان سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد (International Monetary Fund, 2019). از منظر سیاسی و اجتماعی، فساد موجب بی‌ثباتی، نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد می‌شود و در منطقه منا، همراه با آشوب‌های سیاسی، از موانع اصلی جذب سرمایه‌گذاری است؛ در حالی که کنترل فساد و ثبات سیاسی محیطی امن ایجاد می‌کند (Aloui, 2019:15). با این حال، در برخی اقتصادهای با رشد بالا یا بازارهای جذاب شرق آسیا، سرمایه‌گذاران به دلیل بازدهی بالا ممکن است هزینه فساد را تحمل کنند (Mohd Shahidan Shaari, 2022:15). تجربه جنوب صحرای آفریقا نشان می‌دهد که کاهش فساد موجب رشد اقتصادی و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری می‌شود (International Monetary Fund, 2019). راهکارهای کاهش فساد شامل اصلاحات ساختاری همچون خصوصی‌سازی و آزادسازی تجاری (Onyeiwu, 2002:15)، تقویت حکمرانی و شفافیت نهادی (Ostad-Ramezan, Bazraei, & Karimi, 2017)، همکاری‌های بین‌المللی ضدفساد و ایجاد نظام حقوقی شفاف است. شواهد تجربی نیز تأیید می‌کنند که کاهش فساد رشد GDP سرانه را ۲٫۴ درصد افزایش داده و «ویور» نشان می‌دهد که کنترل فساد نرخ مالیات نهایی شرکت‌ها را تا ۲۰ درصد کاهش می‌دهد. همچنین در منطقه منا، ترکیب کاهش فساد و آزادسازی تجاری موجب تقویت جریان FDI شده است (Morrissey, 2012:10). در مجموع، فساد در بیشتر موارد مانعی ساختاری و جدی برای

جذب پایدار سرمایه گذاری خارجی است و تنها از طریق تقویت حکمرانی، شفافیت، و اصلاحات نهادی می توان اثرات منفی آن را کاهش داد.

نقش شفافیت و حق اظهار نظر در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

شفافیت، به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی خوب، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش پیش بینی پذیری، اعتماد سرمایه گذاران خارجی را تقویت کرده و ریسک سرمایه گذاری را کاهش می دهد. شفافیت نهادی و قانونی، همراه با کیفیت نظارت و کاهش فساد، از عوامل مهمی هستند که ورود سرمایه گذاری خارجی را تسهیل می کنند (Baklouti & Boujelbene, 2014:15). شفافیت در سیاست گذاری اقتصادی و قوانین مالیاتی نیز اهمیت دارد؛ زیرا وضوح و ثبات قوانین، محیطی قابل اعتماد برای سرمایه گذاران ایجاد می کند. تجربه کشورهای مانند عربستان سعودی نشان داده که نبود شفافیت و اجرای غیرمنعطف قوانین، مانع سرمایه گذاری خارجی شده است (Alqnayah, 2021:15). همچنین مطالعات نشان می دهد که بهبود رتبه شفافیت، می تواند جذب سرمایه گذاری خارجی را تا ۴۰ درصد افزایش دهد (Drabek & Payne, 2001:15). شفافیت موجب ارتقای پاسخگویی نیز می شود. انتشار اطلاعات مالی و بودجه ای، نظارت عمومی را افزایش داده و اعتماد سرمایه گذاران را تقویت می کند. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی نیز از طریق کاهش فساد و افزایش نظارت، تأثیر مثبتی بر ورود سرمایه خارجی دارد (Ostad-Ramezan et al., 2017). البته شفافیت به تنهایی کافی نیست و اثربخشی آن به شرایطی مانند ظرفیت اقتصادی، کیفیت سرمایه انسانی و ثبات سیاسی وابسته است. با این حال، شفافیت بالا می تواند اثر منفی ریسک سیاسی بر سرمایه گذاری خارجی را نیز کاهش دهد (Bari & Deggisp, 2018). در مجموع، شفافیت با کاهش ابهام، افزایش پاسخگویی و تقویت اعتماد، نقش مهمی در جذب سرمایه گذاری خارجی دارد و زمانی بهترین اثر را دارد که با سایر عناصر حکمرانی خوب ترکیب شود.

نقش کیفیت قوانین و مقررات در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

کیفیت قوانین و مقررات، به عنوان یکی از ارکان اساسی حکمرانی خوب، نقش مهمی در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایفا می کند؛ زیرا سرمایه گذاران برای تصمیم گیری نیازمند محیطی شفاف، پایدار و قابل پیش بینی هستند. شفافیت قانونی از طریق فراهم کردن دسترسی روشن به اطلاعات و کاهش ریسک تغییرات ناگهانی، اعتماد سرمایه گذاران را افزایش می دهد. برای نمونه، قانون سرمایه گذاری اندونزی (شماره ۲۰۰۷/۲۵) با تأکید بر شفافیت و سهولت محیط کسب و کار، موجب بهبود ورود سرمایه خارجی شده است (Nurmal, 2023). در کنار شفافیت، سازگاری و انسجام قوانین اهمیت زیادی دارد؛ زیرا تغییرات مکرر در مقررات به ویژه در مسائل مالیاتی یا تجاری، ریسک و عدم اطمینان را افزایش داده و تمایل سرمایه گذاران را کاهش می دهد، در حالی که ثبات مقررات محیطی امن و قابل اتکا فراهم می آورد. اجرای مؤثر قوانین نیز بخش مهمی از کیفیت نهادی محسوب می شود. قوانین شفاف بدون اجرای دقیق و بی طرفانه، نمی توانند اعتماد سرمایه گذاران را جلب کنند. تجربه هایی مانند اجرای متعادل قوانین کار و نقش نظارت دقیق کمیته سرمایه گذاری خارجی ایالات متحده در تضمین اجرای مقررات، نشان می دهد که اجرای کارآمد چگونه می تواند ریسک را کاهش دهد و محیط سرمایه گذاری را بهبود بخشد (U.S. Department : Payton & Woo, 2014). of the Treasury, 2021 در کنار این موارد، کارایی فرآیندهای نظارتی و اداری نیز تأثیر مستقیم بر تصمیم سرمایه گذاران دارد. تسریع روند صدور مجوزها، کاهش بوروکراسی و هماهنگی نهادی از جمله اقداماتی هستند که در اندونزی موجب افزایش ورود سرمایه خارجی شده اند (Nurmal, 2023). افزون بر اثرات مستقیم، کیفیت قوانین و مقررات اثرات غیرمستقیمی نیز بر سرمایه گذاری خارجی دارد. نظام حقوقی شفاف و کارآمد اعتبار بین المللی کشور را تقویت کرده و آن را به عنوان مقصدی امن و

پیش‌بینی‌پذیر معرفی می‌کند. در مجموع، شفافیت، سازگاری، اجرای مؤثر و کارایی مقررات، بنیانی نهادی برای کاهش ریسک و جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌کنند و از این طریق به توسعه اقتصادی پایدار کمک می‌کنند.

جدول ۱. خلاصه از ارتباط شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی

شاخص حکمرانی خوب	تعریف مختصر	سازوکار اثرگذاری بر جذب FDI	شواهد و مستندات کلیدی
۱. حاکمیت قانون (Rule of Law)	تضمین اجرای قوانین، امنیت حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای	کاهش ریسک حقوقی، افزایش اعتماد سرمایه‌گذار، حمایت از مالکیت و قراردادهای، کاهش دعاوی	Topçu, Dehshiri et al. (2012), Gür (2019), (2023)
۲. ثبات سیاسی (Political Stability)	نبود خشونت، ثبات دولت، پیش‌بینی‌پذیری سیاسی	کاهش ریسک‌های ناگهانی، بهبود امنیت سرمایه، ثبات محیط سیاست‌گذاری	Asante Darkwah (2023), Fuddin & UNCTAD (2008), Maulidiyah (2024)
۳. اثربخشی دولت (Government Effectiveness)	کیفیت خدمات عمومی، مدیریت اقتصادی، ظرفیت اجرایی دولت	کاهش بوروکراسی، بهبود زیرساخت‌ها، سیاست‌گذاری پایدار، تسهیل سرمایه‌گذاری	Wang & Qiao (2023), Hosseini, Matimura (2021), (2021)
۴. کیفیت مقررات (Regulatory Quality)	توانایی تدوین مقررات مؤثر و سازگار با توسعه بخش خصوصی	ایجاد محیط قابل پیش‌بینی، کاهش هزینه‌های اداری، کاهش ریسک تغییر قوانین، تسهیل اقتصاد رقابتی	Payton & Nurmal (2023), US Treasury, Woo (2014), (2021)
۵. کنترل فساد (Control of Corruption)	جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، شفافیت در دولت	کاهش هزینه‌های پنهان، افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، کاهش رانت‌جویی	Aloui, Anwar et al. (2023), IMF (2019), (2019)
۶. شفافیت و پاسخگویی (Voice & Accountability)	آزادی بیان، رسانه مستقل، مشارکت سیاسی	کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش پیش‌بینی‌پذیری، افزایش اعتماد محیط سیاسی و اقتصادی	Baklouti & Boujelbene (2014), Madadi et al. (2021), Drabek & Payne (2001)

بررسی شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب در دولت خاتمی

سید محمد خاتمی در دوم خرداد ۱۳۷۶ با کسب حدود ۷۰ درصد آرا (حدود بیست میلیون رأی) به‌عنوان پنجمین رئیس‌جمهور ایران برگزیده شد و از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ این مسئولیت را بر عهده داشت. او با شعار اصلاحات سیاسی، اجتماعی و تقویت جامعه مدنی وارد عرصه رقابت شد و تلاش کرد روابط ایران با جهان، به‌ویژه اروپا، را بهبود بخشد. در داخل کشور نیز کوشید محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی را کاهش داده و فضای بازتری برای مشارکت عمومی ایجاد کند. خاتمی که پیشینه‌ای حوزوی و دانشگاهی داشت، به‌عنوان چهره‌ای برخاسته از درون نظام و دارای مقبولیت مردمی شناخته می‌شد. در افکار عمومی لقب «سید فاطمی» و در میان جوانان عنوان «رهبر اصلاحات» را به همراه داشت. پیروزی چشمگیر او در انتخابات، جریان محافظه‌کار را غافلگیر کرد، اما آنان به‌سرعت با سازمان‌دهی مجدد نیروها، به مقابله گسترده با برنامه‌های اصلاحی دولت پرداختند. با وجود این چالش‌ها، خاتمی بر حاکمیت قانون، گسترش جامعه مدنی و پیشبرد اصلاحات سیاسی و نهادی تأکید داشت.

وضعیت حاکمیت قانون

در دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، حاکمیت قانون یکی از محورهای اصلی اصلاحات بود و در حوزه‌های مختلف سیاسی، حقوقی و نهادی بروز یافت. توجه به تعهدات دولت در قبال حقوق بشر و استفاده از آن به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی حکمرانی، جایگاه ویژه‌ای داشت (Mirmousavi, 2021). برنامه اصلاحات با اهدافی چون اجرای حاکمیت قانون، تقویت جامعه مدنی، بهبود روابط خارجی و بازسازی ساختار اقتصادی دنبال شد. در عرصه آزادی‌های مدنی نیز موضوعاتی مانند موازنه میان حریم خصوصی و آزادی بیان در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفت (Amuzegar, 2000). اصلاح قانون مطبوعات و قانون انتخابات از مهم‌ترین

اقداماتی بود که با هدف ارتقای دموکراسی و استحکام حاکمیت قانون انجام شد. همچنین برگزاری نخستین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۷۷ گامی مؤثر در تمرکززدایی و گسترش مشارکت عمومی بود (Keddie, 2006). با وجود این رویکرد، سال‌های پایانی دولت با محدودیت‌هایی چون توقیف مطبوعات، بازداشت فعالان سیاسی و رخدادهایی مانند قتل‌های زنجیره‌ای همراه شد که فضای عمومی را تضعیف کرد. هرچند خاتمی بر اصلاح قوانین ناعادلانه و کاهش تمرکز قدرت تأکید داشت، اما بخشی از اهداف حاکمیت قانون به‌طور کامل محقق نشد (Amuzegar, 2000). در دوره دوم دولت، لوایح مرتبط با افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و اصلاح قانون انتخابات — مشهور به «لوایح دوگانه» مطرح و تصویب اولیه شدند، اما در رفت‌وآمد میان مجلس و شورای نگهبان به نتیجه نرسیدند. از نظر داده‌های تجربی، شاخص حاکمیت قانون بانک جهانی نشان می‌دهد وضعیت ایران طی دوره خاتمی روندی نوسانی و عمدتاً نزولی داشته است: از -0.67 در سال ۱۹۹۸ به -0.51 در سال ۲۰۰۰ و سپس افت تا -0.83 در سال ۲۰۰۵. رتبه ایران نیز از ۳۴ به ۲۳،۴ کاهش یافت که بیانگر افت جایگاه کشور در اجرای قانون و کارآمدی نظام قضایی است (World Bank, WGI). این داده‌ها نشان می‌دهد که باوجود تلاش‌های اصلاحی دولت خاتمی، موانع ساختاری و مقاومت‌های سیاسی مانع تحقق کامل اهداف در حوزه حاکمیت قانون شدند. تلاش‌های اولیه دولت اعتماد نسبی ایجاد کرد، اما استمرار محدودیت‌ها و کاهش امتیاز شاخص در سال‌های پایانی، مانع از تثبیت این اعتماد شد. در نتیجه، تأثیر حاکمیت قانون بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز محدود باقی ماند و ایران نتوانست از ظرفیت این شاخص برای ارتقای FDI بهره‌برداری کامل کند.



وضعیت ثبات سیاسی

ارزیابی ثبات سیاسی در دوره ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) نیازمند بررسی هم‌زمان وضعیت داخلی و داده‌های بین‌المللی است. آغاز دوره اصلاحات با مشارکت کم‌سابقه مردمی همراه بود؛ در انتخابات ۱۳۷۶ حدود ۸۰ درصد واجدان شرایط رأی دادند و این میزان مشارکت، نشانه‌ای از پویایی سیاسی و مشروعیت نسبی نظام تلقی می‌شد. با این حال، بر اساس داده‌های شاخص حکمرانی جهانی (WGI)، امتیاز ایران در ثبات سیاسی که در سال ۱۹۹۶ برابر با -۰.۳۲ بود (بالاترین سطح ثبت‌شده ایران) طی دوره خاتمی روندی کاهشی پیدا کرد و میانگین آن به حدود -۱.۱۲ رسید (The Global Economy). این افت بیانگر گذار از یک ثبات نسبی اولیه به دوره‌ای از تنش‌های سیاسی و اجتماعی است. در سال‌های نخست، فضای سیاسی بازتر شد؛ روزنامه‌ها و نشریات جدید منتشر شدند و برخی تحلیلگران این دوره را «دوران طلایی مطبوعات» نامیدند. برگزاری نخستین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در اسفند ۱۳۷۷ نیز گامی اساسی در افزایش مشارکت عمومی بود (Keddie, 2006). با وجود این، خاتمی در همان سال‌های نخست به «وقوع یک بحران در هر ۹ روز» اشاره کرد؛ تنش‌هایی که از مخالفت جریان‌های

درون حاکمیت تا انتقادات برخی حامیان سابق را شامل می‌شد. در حوزه سیاست خارجی، دولت خاتمی با سیاست تنش‌زدایی و طرح ایده «گفت‌وگوی تمدن‌ها»، تصویر بین‌المللی ایران را بهبود بخشید. گسترش روابط با کشورهای اروپایی، افزایش نقش ایران در مجامع بین‌المللی، و نام‌گذاری سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفت‌وگوی تمدن‌ها، نشان‌دهنده پذیرش جهانی این رویکرد بود (Ghorban-Oghli, 2013). با این حال، چالش‌های داخلی از جمله توقیف گسترده مطبوعات، بازداشت فعالان سیاسی، قتل‌های زنجیره‌ای، حوادث کوی دانشگاه و محدودیت‌های ساختاری در تصمیم‌گیری سیاسی، بر ثبات داخلی اثر منفی گذاشت. وجود مراکز متعدد قدرت و مقاومت‌های نهادی، مانع پیشبرد کامل اصلاحات شد.

جدول ۲. روند نمای ثبات سیاسی در دولت خاتمی

سال	امتیاز	توضیح مختصر
۱۳۷۵	-۰,۳۲	بالا ترین سطح: پیش از دولت خاتمی
۱۳۷۶	-۰,۴۵	آغاز دولت؛ امید اجتماعی همراه با تنش‌های اولیه
۱۳۷۷	-۰,۵۲	گشایش سیاسی اما افزایش تنش‌های خارجی
۱۳۷۸	-۰,۶۸	اعتراضات گسترده دانشجویی
۱۳۷۹	-۰,۷۱	پیروزی اصلاح‌طلبان در مجلس ششم و فشارهای امنیتی
۱۳۸۰	-۰,۷۵	محاکمات مطبوعات
۱۳۸۱	-۰,۸۲	سخنرانی «محور شرارت» و افزایش فشار خارجی
۱۳۸۲	-۰,۹۰	اعتراضات دانشجویی و بحران‌های اجتماعی
۱۳۸۳	-۱,۰۵	رد صلاحیت گسترده در مجلس هفتم
۱۳۸۴	-۱,۱۲	پایان دولت؛ کاهش اعتماد سیاسی و پیروزی احمدی‌نژاد

در مجموع، ثبات نسبی سال‌های ابتدایی — خصوصاً مشارکت گسترده سیاسی و سیاست تنش‌زدایی خارجی — موجب کاهش ریسک سیاسی و افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی شد؛ به گونه‌ای که ایران در سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۸۲ حدود ۲,۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرد. اما تداوم تنش‌های داخلی، کاهش مستمر شاخص ثبات سیاسی، و محدودیت‌های ساختاری، مانع پایداری این روند شد و ظرفیت بالقوه ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور کامل محقق نگردید.

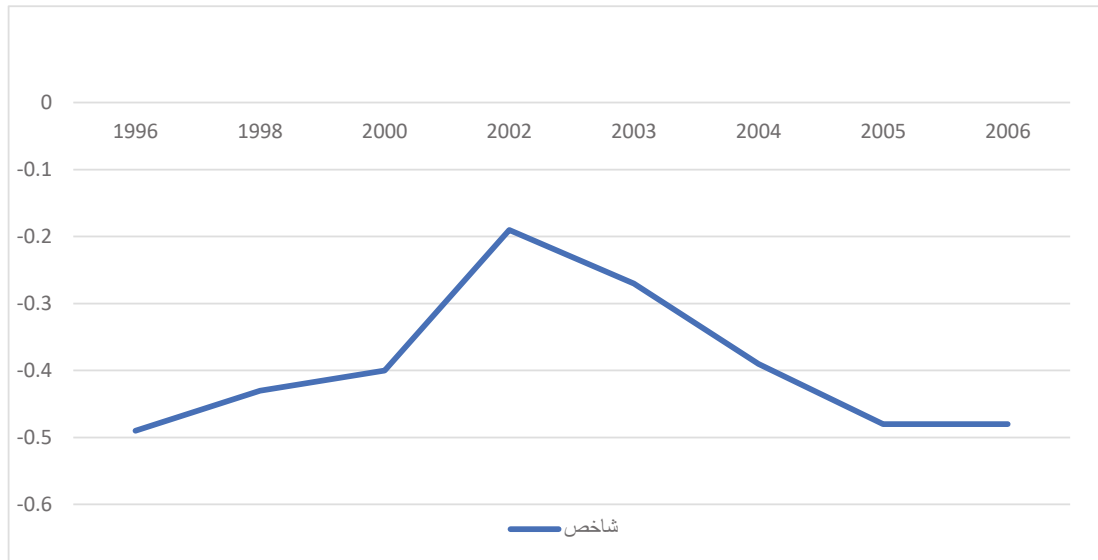
وضعیت کارآمدی و اثربخشی دولت

در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خاتمی، کاهش شدید قیمت جهانی نفت باعث افت قابل توجه درآمدهای دولت شد، با این حال دولت با اتخاذ سیاست‌های مناسب توانست شرایط اقتصادی را مدیریت کند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره تدوین برنامه سوم توسعه بود که با هدایت مسعود نیلی و با رویکردی مبتنی بر اصلاحات ساختاری طراحی شد. این برنامه بر محورهایی چون ایجاد حساب ذخیره ارزی، تقویت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، آزادسازی تجارت، یکسان‌سازی نرخ ارز و تثبیت بازار ارز، اصلاح بازار مالی، اصلاح نظام بودجه‌ریزی، کنترل تورم و بازسازی ساختارهای اداری تمرکز داشت. ایجاد حساب ذخیره ارزی و یکسان‌سازی نرخ ارز از مهم‌ترین اقدامات اجرایی برنامه سوم بود که نتایج موفقیتی به همراه داشت. عملکرد اقتصادی دولت نیز قابل توجه بود؛ رشد اقتصادی متوسط سالانه به ۶,۱ درصد و رشد سرمایه‌گذاری به ۱۰,۷ درصد رسید که بیش از اهداف برنامه بود. همچنین جذب ۲,۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بیش از ۵۰ درصد کل سرمایه‌گذاری خارجی دهه ۱۳۷۰ را تشکیل داد که نشان‌دهنده اثربخشی سیاست‌های دولت در بهبود فضای سرمایه‌گذاری است (Mir-Emadi, 2005). نظام ارزی یکسان‌سازی شده مهم‌ترین دستاورد اقتصادی این دوره بود. موفقیت آن نتیجه طراحی دقیق استراتژی، اجتناب از شتاب‌زدگی، استفاده از تجربه سایر کشورها و پیش‌بینی سازوکارهای جلوگیری از بازگشت به نظام چندنرخ بود (Mosleynajad & Mohammadzadeh, 2016). میانگین رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ۵,۴ درصد بود که تنها ۰,۶

درصد کمتر از هدف ۶ درصدی و بالاتر از عملکرد برنامه دوم (۳,۸ درصد) محسوب می‌شود. رشد اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به ترتیب به ۷,۴ و ۶,۷ درصد رسید که طی ۱۲ سال قبل بی‌سابقه بود. درآمد سرانه نیز سالانه به‌طور متوسط ۳,۸ درصد افزایش یافت. بخش صنعت با رشد ۱۱,۱ درصدی و بخش خدمات با رشد ۴,۸ درصدی بیشترین سهم را در رشد اقتصادی داشتند. نرخ تورم نیز با میانگین ۱۴,۱ درصد کمتر از هدف برنامه و پایین‌تر از سطح ۲۰,۱ درصدی سال ۱۳۷۸ بود (گزارش اقتصادی ۱۳۸۳). در برنامه سوم، اصلاح نظام اداری و تمرکززدایی نیز مورد توجه بود. مواد ۲، ۳، ۴ و ۱۵۰ بر اصلاحات اداری تأکید داشتند. ادغام یا انحلال برخی نهادهای دولتی مانند تشکیل سازمان میراث فرهنگی و ادغام سازمان برنامه و بودجه با سازمان امور اداری و استخدامی، تصویب ساختار جدید وزارتخانه‌ها، اجرای طبقه‌بندی مشاغل و افزایش نقش مردم در ارائه خدمات از جمله اصلاحات اجرایی بودند. دولت اصلاحات با اجرای طرح‌های منطقه‌ای سازی اندازه دولت، تحول ساختارهای تشکیلاتی و ایجاد مرکز نوسازی و تحول اداری، تلاش کرد ناکارآمدی بوروکراتیک را کاهش دهد (Hajiloo, 2017). در مجموع، برنامه سوم توسعه نسبت به سایر برنامه‌ها موفق‌تر بود و به بهبود شاخص‌های اقتصادی، شرایط کسب‌وکار و اثربخشی دولت کمک کرد (Bahmei et al., 2020). بر اساس داده‌های بین‌المللی، مقدار شاخص کارایی و اثربخشی دولت در ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ بین ۰,۱۰ تا ۰,۳۳ گزارش شده است. این مقادیر نشان می‌دهد که با وجود برخی پیشرفت‌ها، سطح عملکرد دولت همچنان پایین‌تر از استانداردهای جهانی بوده و به‌طور کامل رضایت‌بخش نبوده است.

وضعیت فساد

در دوره اصلاحات، مبارزه با فساد برای نخستین بار به‌صورت رسمی، ساختاری و با پشتوانه قانونی در دستور کار دولت قرار گرفت. محمود صادقی در گفت‌وگو با روزنامه جماران اشاره کرده است که آغاز جدی سیاست‌گذاری در حوزه مبارزه با فساد از دولت خاتمی شروع شد. در این دوره اسناد و برنامه‌های کلان تدوین شد؛ از جمله پیوستن ایران به کنوانسیون مبارزه با فساد، طراحی قوانین مقابله با پول‌شویی و پیشبرد سیاست‌های شفاف‌سازی اداری. همچنین مباحث اولیه قوانین مهمی چون «قانون ارتقای نظام اداری و مبارزه با فساد» و «قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» در همین دوره شکل گرفت و سپس در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. فیض‌الله عرب‌سرخی، معاون وقت وزارت بازرگانی، در مصاحبه‌ای با تابناک توضیح می‌دهد که یکی از محورهای اصلی اصلاحات، کوچک‌سازی دولت و کاهش نهادهای غیرضروری بود. او بیان می‌کند که سازمان بازرسی وزارت بازرگانی که در سال ۱۳۷۶ حدود سه هزار پرسنل داشت، در سال ۱۳۸۰ با دو هزار و پانصد نفر تحویل داده شد؛ همچنین سازمان‌های غله، قند و شکر و شهر و روستا منحل شدند و حدود ۱۳ هزار نیروی مازاد کاهش یافت. چنین اقداماتی، با توجه به اینکه سازمان‌های بزرگ و پرهزینه از مهم‌ترین بسترهای بروز فساد در ایران بوده‌اند، می‌توانست بر کاهش فساد اداری اثرگذار باشد. با وجود این اقدامات، شاخص کنترل فساد در ایران طی این دوره همچنان منفی باقی ماند و بین ۰,۱۱ تا ۰,۴۹ نوسان داشت. در سال ۱۳۹۳ رتبه ایران در فساد مالی در میان ۱۹۰ کشور برابر ۹۷ گزارش شد که نشان‌دهنده گستردگی فساد ساختاری است. با این حال، در ارزیابی «سازمان بین‌المللی شفافیت»، ایران در دوره اصلاحات به رتبه ۷۹ رسید؛ رتبه‌ای که بهترین جایگاه ایران پس از انقلاب محسوب می‌شود و بیانگر بهبود نسبی وضعیت کنترل فساد در مقایسه با دوره‌های پیش و پس از آن است (Transparency International, 2023).



نمودار ۲. شاخص ادراک فساد در ایران از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ (منبع: Transparency International)

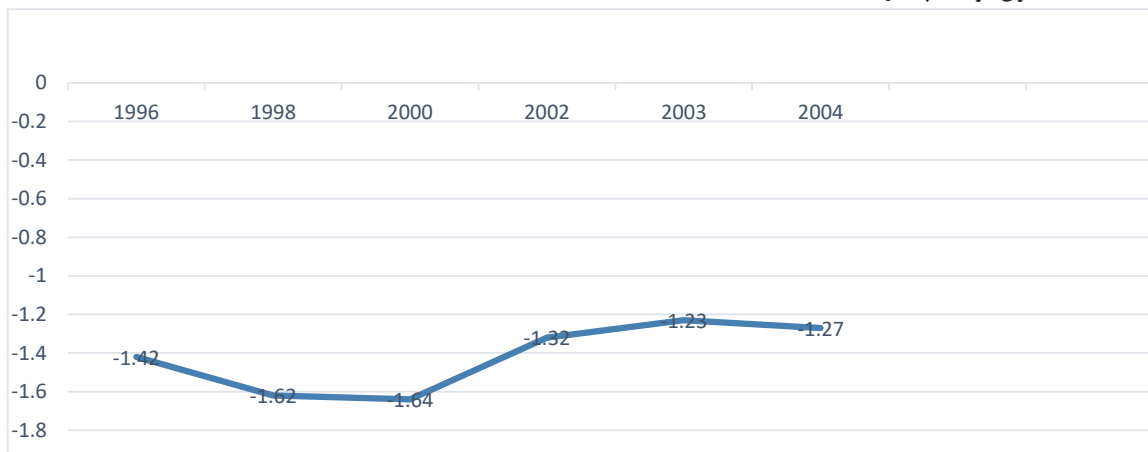
وضعیت شفافیت

در دوران ریاست‌جمهوری خاتمی، شفافیت به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی خوب مورد توجه ویژه قرار گرفت. دولت اصلاحات در مقایسه با دولت‌های پیشین رویکردی بازتر نسبت به مشارکت عمومی، نقد عملکرد دولت و دسترسی به اطلاعات اتخاذ کرد. عباس عبدی اشاره می‌کند که حضور مخالفان در رأس نهادهای نظارتی و فعالیت گسترده‌تر رسانه‌ها در این دوره به افزایش شفافیت کمک کرد (Madadi et al., 2021). آزادی مطبوعات برجسته‌ترین نمود شفافیت در این دوره بود. با آغاز دولت خاتمی، فضای رسانه‌ای کشور به طور محسوس گشایش یافت؛ صدور مجوز روزنامه‌های جدید، کاهش محدودیت‌ها و تأسیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از جمله اقدامات دولت بود. تیراژ مطبوعات از حدود دو میلیون نسخه در روز در سال ۱۳۷۷ به سه میلیون نسخه افزایش یافت؛ آماری که نسبت به سال ۱۳۷۳ حدود چهار برابر رشد نشان می‌دهد. با این حال، از سال ۱۳۷۹ موج توقیف مطبوعات آغاز شد و تا پایان دولت ادامه یافت (Madadi et al., 2021). در حوزه شفافیت سیاسی و اجتماعی نیز دولت خاتمی با برگزاری نخستین دوره انتخابات شوراهای اسلامی، تقویت نهادهای مدنی و ترویج گفت‌وگوی دولت-جامعه فضایی بازتر ایجاد کرد. با وجود این، مقاومت برخی نهادهای قدرت و ضعف ساختاری جامعه مدنی مانع نهادینه شدن کامل شفافیت و پاسخ‌گویی شد (Bahmei et al., 2020). به طور کلی، دوره نخست دولت خاتمی به عنوان «دوران طلایی مطبوعات» و آغاز گفت‌وگو بین شفافیت و پاسخ‌گویی در جمهوری اسلامی شناخته می‌شود؛ هرچند استمرار این روند با چالش‌های نهادی مواجه شد. بر اساس داده‌های بانک جهانی، شاخص پاسخ‌گویی در ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ بین ۰٫۱۳ تا ۱٫۳۰ متغیر بوده و تنها در سال ۲۰۰۲ به ۰٫۹۱ رسید که بهترین سطح پاسخ‌گویی در دوره اصلاحات محسوب می‌شود (World Bank, 2010). این ارقام نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم تلاش‌های دولت، پاسخ‌گویی عمومی همچنان در سطحی نامطلوب باقی ماند.

وضعیت کیفیت تنظیم و مقررات

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۸۳) با شعار «توسعه پایدار» در ۲۶ فصل و ۱۹۹ ماده تصویب شد و به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت خاتمی در جهت بهبود کیفیت مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری اقتصادی و اداری شناخته

می شود (Ghanbari & Sadeghi, 2011). اهداف اصلی برنامه شامل اصلاح ساختار اداری و کاهش تصدی گری دولت، ساماندهی شرکت های دولتی، تقویت رقابت، هدفمندسازی یارانه ها، اصلاح نظام مالیاتی و تشکیل سازمان امور مالیاتی، حمایت از اشتغال و ایجاد حساب ذخیره ارزی بود. ایجاد حساب ذخیره ارزی بر اساس ماده ۶۰ قانون برنامه سوم یکی از دستاوردهای مهم این دوره بود؛ حسابی که با هدف کاهش آسیب پذیری اقتصاد از نوسانات نفتی تشکیل شد و در برنامه چهارم نیز ادامه یافت (Ghanbari & Sadeghi, 2011). در حوزه سرمایه گذاری خارجی، کاهش ریسک اقتصادی و اصلاحات ساختاری موجب بهبود فضای کسب و کار شد. تنها در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲، میزان سرمایه گذاری خارجی پذیرفته شده به ۲,۴ میلیارد دلار رسید؛ یعنی بیش از نیمی از کل سرمایه گذاری جذب شده طی سال های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲. این روند نشان دهنده اثربخشی سیاست های اصلاحی دولت است. همچنین ایران در سال ۱۳۸۴ به عضویت ناظر سازمان تجارت جهانی درآمد. در حوزه ارزی، یکسان سازی نرخ ارز از مهم ترین موفقیت های برنامه بود. حذف واریزنامه های ارزی، جایگزینی گواهی سپرده ارزی و حرکت به سمت نظام «شناور مدیریت شده» ثبات قابل توجهی در بازار ارز ایجاد کرد (Mosleynajad & Mohammadzadeh, 2016). در بخش مالی و پولی نیز اقداماتی همچون کاهش سپرده قانونی، تعدیل نرخ سود بانکی و کاهش پیش پرداخت اعتبارات اسنادی انجام شد. در حوزه مالیات، اصلاح قانون مالیات های مستقیم، حذف معافیت های ناکارآمد، تصویب قانون تجمیع عوارض، اصلاح تعرفه ها و بازنگری قانون محاسبات عمومی دنبال شد. همچنین اصلاحات در بازار بورس به بهبود ساختار مالی کشور کمک کرد. مجموع این اقدامات نشان می دهد که دولت خاتمی در چارچوب برنامه سوم تلاش کرد نظام تنظیم گری و قوانین اقتصادی را کارآمدتر، شفاف تر و هماهنگ با اصول توسعه پایدار کند.



نمودار ۳. شاخص کیفیت نظارتی در ایران از ۱۹۹۶ - ۲۰۰۴ (منبع: Transparency International)

جمع بندی

در دولت سید محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) شاخص های حکمرانی بانک جهانی، اگرچه همچنان در سطحی پایین و منفی قرار داشتند، اما برخی از آن ها در دوره اصلاحات بهبود نسبی یافتند و زمینه ساز افزایش جذابیت ایران برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی شدند. در آغاز دولت خاتمی، ایران با کاهش قیمت جهانی نفت و محدودیت های ساختاری جدی مواجه بود. با این حال، اجرای برنامه سوم توسعه با محوریت اصلاحات اقتصادی - شامل ایجاد حساب ذخیره ارزی، یکسان سازی نرخ ارز، اصلاح بازار مالی و بهبود نظام بودجه ریزی توانست ثبات نسبی اقتصادی و پیش بینی پذیری بیشتری در فضای اقتصادی کشور ایجاد کند. این اصلاحات در کنار تنش زدایی در روابط خارجی و سیاست «گفت و گوی تمدن ها»، ریسک سیاسی را کاهش داد و اعتماد نسبی جامعه بین الملل و سرمایه گذاران خارجی را جلب کرد. داده های بانک جهانی نشان می دهد که شاخص های حکمرانی ایران در این

دوره هرچند در سطح پایین باقی ماندند، اما در برخی موارد بهبود نسبی داشتند؛ برای مثال، شاخص اثربخشی دولت در سال ۲۰۰۴ به بهبود یافت (از ۰,۳۳- به ۰,۲۸-) و شاخص کنترل فساد نسبت به دوره‌های پیشین وضعیت مطلوب‌تری پیدا کرد (از ۰,۴۹- به متوسط ۰,۷۰- با نوسانات). این تغییرات هم‌زمان با جهش محسوس در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود؛ به گونه‌ای که در سال‌های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ بیش از ۲,۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب شد؛ رقمی که بیش از نیمی از کل سرمایه‌گذاری خارجی یک دهه پیش از آن را تشکیل داد. در بعد حاکمیت قانون، دولت اصلاحات اقداماتی همچون طرح قوانین شفافیت، ارتقای نظام اداری و پیگیری مبارزه با فساد را آغاز کرد. هرچند به دلیل مقاومت نهادی و ضعف‌های ساختاری، این اصلاحات به نتایج پایدار نرسید، اما بهبود نسبی شاخص‌ها را موجب شد. همچنین، کنترل فساد با اقدامات جدی‌تری نسبت به دوره‌های قبل همراه بود و ایران در این دوره بهترین جایگاه خود در شاخص شفافیت پس از انقلاب را کسب کرد. رتبه ۷۹ در سازمان شفافیت بین الملل. شفافیت و پاسخ‌گویی نیز در نیمه نخست دولت خاتمی به واسطه شکوفایی مطبوعات و نهادهای مدنی ارتقا یافت (افزایش تیراژ رسانه‌ها به ۳ میلیون نسخه روزانه)، هرچند در سال‌های پایانی دولت به دلیل فشارهای سیاسی، روند نزولی پیدا کرد (نوسان امتیاز از ۱,۱۳- به ۱,۴۰-). در حوزه کیفیت قوانین و مقررات، اصلاحات اقتصادی و مقرراتی نقش مهمی در بهبود بسترهای حقوقی و اداری برای فعالیت‌های اقتصادی ایفا کرد، اما کاهش امتیاز WGI از ۱,۰۰- به ۱,۳۰- چالش‌های پایداری را برجسته می‌سازد. در حوزه ثبات سیاسی، سیاست تنش‌زدایی ریسک را کاهش داد، اما بحران‌های داخلی امتیاز را به متوسط ۱,۱۲- رساند. از حیث اثربخشی دولت، کاهش تورم و رشد اقتصادی ۵,۴ درصدی محیط کسب‌وکار را مساعد کرد، هرچند نمرات کلی منفی بودند. با این حال، باید توجه داشت که این اصلاحات و بهبودهای نسبی در شاخص‌های حکمرانی، به دلیل محدودیت‌های ساختاری، ضعف نهادهای اجرایی و فشار از بیرون، نتوانست به دستاوردی پایدار و بلندمدت تبدیل شود. سرمایه‌گذاری خارجی در نیمه دوم دولت خاتمی بار دیگر با کاهش مواجه شد (از پیک ۲۹۸۷ میلیون دلار در ۲۰۰۱ به ۲۰۵۰ میلیون دلار در ۲۰۰۵) و نشان داد که برای پایداری نتایج مثبت، وجود اصلاحات جامع و هماهنگ در تمامی شاخص‌های حکمرانی ضروری است. بنابراین، تجربه دولت خاتمی نشان می‌دهد که ارتباط مستقیم و معناداری میان بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد. هرچند این بهبودها در ایران محدود و ناپایدار بوده‌اند، اما اثرگذاری آن‌ها در کوتاه‌مدت غیرقابل انکار است. این تجربه تأکید می‌کند که حتی گام‌های اولیه و نسبی در مسیر اصلاحات نهادی می‌تواند کشور را برای سرمایه‌گذاران خارجی جذاب‌تر سازد. در عین حال، دستیابی به نتایج پایدار مستلزم آن است که اصلاحات در تمامی ابعاد حکمرانی خوب به صورت یکپارچه و هماهنگ دنبال شود؛ زیرا پیشرفت در یک یا چند شاخص بدون توجه به سایر حوزه‌ها نمی‌تواند بنیانی پایدار برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آورد.

جدول ۳. خلاصه‌ای از شاخص‌های حکمرانی دوران ریاست جمهوری خاتمی

اثرگذاری بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)	نکات کلیدی و شواهد	وضعیت در دوره خاتمی	شاخص حکمرانی خوب
افزایش اعتماد در سال‌های اولیه، کاهش ثبات در سال‌های پایانی، محدود شدن جریان سرمایه	مشارکت بالا در انتخابات، اما در کنار آن اعتراضات ۷۸، توقیف مطبوعات و چند مرکزی بودن تصمیم‌گیری	متوسط رو به کاهش	ثبات سیاسی
کاهش ریسک اقتصادی، افزایش پیش‌بینی‌پذیری، تقویت جذب سرمایه خارجی (۲,۴ میلیارد دلار در ۱۳۸۱-۸۲)	اجرای برنامه سوم توسعه، یکسان‌سازی نرخ ارز، حساب ذخیره ارزی، اصلاح مالیات و تجارت	رو به بهبود	کیفیت مقررات‌گذاری (Regulatory Quality)

اثرگذاری بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی (FDI)	نکات کلیدی و شواهد	وضعیت در دوره خاتمی	شاخص حکمرانی خوب
شفاف‌تر شدن محیط حقوقی در سال‌های اولیه، افزایش تمایل سرمایه‌گذاران؛ بی‌ثباتی حقوقی در سال‌های پایانی، کاهش اطمینان	تلاش برای تقویت قانون‌گرایی، افزایش نقدپذیری، اما چالش‌هایی مانند انسداد مطبوعات و فشارهای نهادی	بهبود نسبی، اما با نوسان	حاکمیت قانون (Rule of Law)
کاهش نسبی رانت و فساد اداری، بهبود فضای کسب‌وکار، کافی نبودن اصلاحات، باقی‌ماندن ریسک اداری	شروع رسمی طرح‌های ضدفساد، کاهش اندازه دولت، تدوین قوانین ضدفساد	بهبود نسبی اما همچنان منفی	کنترل فساد (Control of Corruption)
افزایش اعتماد عمومی، بهبود تصویر ایران برای سرمایه‌گذاران؛ اما تداوم محدودیت‌ها مانع نهادینه‌سازی شد	دوران طلایی مطبوعات، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، گسترش رسانه‌ها، مشارکت مدنی	بیشترین رشد نسبت به دوره‌های قبل، اما ناتمام	پاسخگویی و شفافیت (Accountability)
ارتقای عملکرد اقتصادی، تقویت جذابیت ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی	رشد اقتصادی ۶٪، رشد سرمایه‌گذاری ۱۰٪، اصلاح ساختار اداری و سازمانی، کوچک‌سازی دولت	بهبود قابل توجه	کارایی دولت (Government Effectiveness)

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

- Ajimobi, L.(2024).Influence of political stability on foreign direct investment (FDI) inflows in Nigeria.African Journal of Finance, 3(1), 45–60.<https://ajpojournals.org/journals/AJF/article/view/2172>
- Alexander, J.S.(2014).The rule of law and foreign direct investment in the developing world.University of California, Irvine.
- Aloui, Z.(2019).The role of political instability and corruption on foreign direct investment in the MENA region.
- Alqnayah, R.A.(2021).معوقات الاستثمار المحلي والأجنبي في المملكة العربية السعودية [Obstacles to domestic and foreign investment in the Kingdom of Saudi Arabia].Journal of Economic, Administrative and Legal Sciences, 4(15), 112–133.
- Alshubiri, F.(2022).The impact of the real interest rate, the exchange rate and political stability on foreign direct investment inflows: A comparative analysis of G7 and GCC countries.Asia-Pacific Financial Markets, 29, 569–603.
- Aman, Q.(2023).Mediating role of good governance between debt management and economic performance.Administrative and Management Sciences Journal.
- Amuzegar, J.(2000).Iran's "virtual democracy" at a turning point.SAIS Review, 20, 109–93.[in Persian]
- Anwar, C.J., Brilanti, A., Suhendra, I., & Ginanjar, R.A.(2023).Foreign direct investment and corruption perception index in ASEAN-5 countries.International Journal of Social Science and Human Research.
- Asante Darkwah, J., Boohene, D., Paa Kwasi Coffie, C., Addae-Nketiah, A., Maxwell, A., & Owusu Sarfo, J.(2023).Human development, corruption control, and foreign direct investment revisited: The case of sub-Saharan Africa.Journal of Enterprise and Development.
- Bahmai, S., Ameri Golestani, H., & Karimi Fard, H.(2020).A comparative study of the performance of Hashemi Rafsanjani and Khatami administrations in achieving good governance.Rahyaf-e Enqelab-e Eslami, 14(53), 287–308.[in Persian]
- Baklouti, N., & Boujelbene, Y.(2014).Impact of institutional quality on the attractiveness of foreign direct investment.
- Barry, C., & DiGiuseppe, M.(2019).Transparency, risk, and FDI.Journal of International Business Studies, 50(7), 1083–1103.https://www.researchgate.net/publication/325821342_Transparency_Risk_and_FDI
- Drabek, Z., & Payne, W.(2001).The impact of transparency on foreign direct investment (WTO Staff Working Papers ERAD-99-02).World Trade Organization, Economic Research and Statistics Division.
- Fuddin, M.K., & Maulidiyah, I.N.(2024).The role of performance political stability and macroeconomic attracting foreign direct investment in ASEAN.Ekuilibrium: Jurnal Ilmiah Bidang Ilmu Ekonomi, 19(1), 1–12.<https://journal.umpo.ac.id/index.php/ekuilibrium/article/view/8451/3017>
- Ghanbari Sadeghi, H.A.(2011).Economic developments of Iran (Vol.1, 2nd ed.).SAMT.[in Persian]
- Ghorban-Oghli, J.(2013, December 7).Nagoftehayeh khandani az safar-e Mandela be Tehran [Untold readable stories from Mandela's trip to Tehran].Islamic Students' News Agency (ISNA).<https://www.isna.ir/news/92091611039/> [in Persian]
- Gür, B.(2019).An analysis of the relation between foreign direct investment and sociopolitical variables in MENA countries by panel regression.International Journal of ICT Research in Africa and the Middle East, 8(1), 15–30.<https://doi.org/10.4018/ijictrame.2019010102>
- Hajiloo, M.H.(2017).A comparative study of post-war governments' policies on privatization and integration into the global economy (Case study: Khatami and Ahmadinejad administrations).Rahyaf-e Enqelab-e Eslami, 11(41), 97–114.<https://sid.ir/paper/507832/fa> [in Persian]

19. Hosseini, M.S., & Shahbandarzadeh, H.(2017).Designing a structural model based on soft operations research to identify factors of managing foreign investment attraction (Case study: Bushehr Province) [in Persian]
20. Hosseini, S.A.(2021).The impact of foreign investment attraction policies and their effect on Iran's economic development and international relations [in Persian]
21. International Monetary Fund.(2019, April 4).Tackling corruption in government.<https://www.imf.org/en/Topics/governance-and-anti-corruption>
22. Kasasbeh, H.A., Mdanat, M.F., & Khasawneh, R.(2018).Corruption and FDI inflows: Evidence from a small developing economy.Asian Economic and Financial Review, 8(8), 1075–1085.<https://doi.org/10.18488/journal.aefr.2018.88.1075.1085>
23. Keddie, N.R.(2006).Modern Iran: Roots and results of revolution (Updated ed.).Yale University Press.
24. Madadi, N., Tohidfam, M., Abolhasan Shirazi, H., & Mahmoudi, M.(2021).An analysis of good governance indicators (rule of law and accountability) in Iran during 2005–2021.Rahyaft-e Enqelab-e Eslami, 15(57), 61–84.[in Persian]
25. Maher, D.(2022).Investigating the 'curious' case of civil war and foreign direct investment: Evidence from Sudan.Review of International Political Economy, 30, 1510–1534.
26. Matimura, M., Kiat, C.G., & Rahadi, R.A.(2021).Attracting the foreign direct investment (FDI) using financial network: A case in Zimbabwe.Jurnal Ilmu Sosial Politik dan Humaniora.
27. Mir-Emadi, T.(2005).Economic growth in Khatami's government foreign policy.Foreign Policy, 19(1), 91–120.[in Persian]
28. Mirmousavi, S.A.(2021).State commitment and responsibility towards human rights.Human Rights Quarterly, 16(1), 25–51.[in Persian]
29. Mirzaeabrahimi, R.(2005).Post-reaction consensus: A reaction against economic adjustment policies.Economy and Society, (6).[in Persian]
30. Mohd Shaidan Shaari, Esquivias, M.A., Ridzuan, A.R., Zainal, N.F., & Sugiharti, L.(2022).The impacts of corruption and environmental degradation on foreign direct investment: New evidence from the ASEAN+3 countries.Cogent Economics & Finance.
31. Mohseni, N.S., Mohammadi, T., & Arbab, H.(2020).Investigating the interactive effect of political stability and economy size on foreign direct investment attraction [in Persian]
32. Mosleynajad, A., & Mohammadzadeh, A.(2016).The third development plan (2000–2004); backgrounds, goals, achievements, and failures.Rahbord, 25(79), 157–176.[in Persian]
33. Mwampaghale, W.T.(2017).International legal framework for foreign investment protection: An analysis of Tanzania treaty practice (Master's thesis).The Open University of Tanzania.
34. Nikdel, M., et al.(2021).The effect of political security and government stability on attracting foreign direct investment: Spatial econometrics.Spatial Economics and Development Journal, 1(2), 1–20.https://sedj.usb.ac.ir/article_6358.html?lang=en
35. Nural, I.R.(2023).Dynamics of investment regulation: A legal review of Law No.25 of 2007 on investment in Indonesia in overcoming the "investment ghost".Jurnal Syntax Transformation.
36. Nzeh, I.C., Okoli, U.V., Ozoh, J.N., & Ezenwob, F.N.(2024).Regulatory quality, rule of law and foreign direct investment inflows: Evidence from the Economic Community of West African States.International Journal of Finance, Economics and Business, 3(1), 10–23.
37. Onyeiwu, S.(2002).Analysis of FDI flows to developing countries: Is the MENA region different? Allegheny College.
38. Ostad-Ramezan, A.S., Bazraei, M., & Karimi, M.(2017).Investigating the factors affecting foreign direct investment attraction with emphasis on institutional and structural variables in selected APEC countries.Journal of Economics and Business Research, 8(16), 1–13.[in Persian]
39. Payton, A.L., & Woo, B.(2014).Attracting investment: Governments' strategic role in labor rights protection.International Studies Quarterly, 58, 462–474.
40. Raci, M., & Ataryan, F.(2012).Rule of law and governmental decrees in the Constitution of the Islamic Republic of Iran.Hokoomat-e Eslami, 17(1[63]), 123–146.[in Persian]
41. Sameti, M., Sameti, M., & Mollaesmaeili Dehshiri, H.(2014).Analysis of the role of legal structure and property rights security in attracting foreign direct investment with a P-VAR approach: The case of oil-exporting countries.Economic Policy, 6(12), 155–177.[in Persian]
42. Samimi Far, S.(2021).Conflict of laws in resolving disputes related to foreign investment.Ghanoon Yar, 5(17), 459–483.<https://sid.ir/paper/1024223/fa> [in Persian]
43. Shirjiyan, J.(2023).Governance, law, and development.Civilica.<https://civilica.com/note/540/> [in Persian]
44. TheGlobalEconomy.com.(n.d.).Iran: Political stability.Retrieved September 29, 2025, from https://www.theglobaleconomy.com/Iran/wb_political_stability/
45. Thomas, P.B.(2016).The impact of legal systems on FDI in Latin America.LAP LAMBERT Academic Publishing.
46. Topçu, G.(2023).Impact of legal and regulatory qualities on FDI inflow: A comparison of developed and developing countries.Doğuş Üniversitesi Dergisi, 25(1), 219–239.<https://doi.org/10.31671/doujournal.1301332>
47. U.S.Department of the Treasury.(2021, July 10).CFIUS enforcement and penalty guidelines.<https://home.treasury.gov/policy-issues/international/the-committee-on-foreign-investment-in-the-united-states-cfius/cfius-enforcement-and-penalty-guidelines>
48. UNDP.(1997).Reconceptualising governance discussion (Paper 2).Management Development and Governance Division.
49. Wang, C., Qiao, G., Ahmad, M., & Ahmed, Z.(2023).The role of the government in green finance, foreign direct investment, technological innovation, and industrial structure upgrading: Evidence from China.Sustainability.